



مجله علمی

مدیریت نوآفرینی

Innovation
management

ارائه الگوی بهینه‌سازی مشارکت شهروندان در فرآیند خط‌مشی‌گذاری عمومی با رویکرد داده بنیاد

علی اصغر قلندری^۱، محمد محمدی^{۲*}، محمدرضا ربیعی مندجین^۳

چکیده	اطلاعات مقاله
هدف این پژوهش، طراحی الگویی برای بهینه‌سازی مشارکت شهروندان در فرآیند خط‌مشی‌گذاری عمومی در ایران است. این مطالعه با رویکرد آمیخته (کیفی-کمی) و روش پژوهش اکتشافی انجام شده است. در بخش کیفی، با بهره‌گیری از نظریه داده‌بنیاد و انجام مصاحبه‌های نیمه‌ساخت‌یافته با ۱۵ نفر از خبرگان دانشگاهی و اجرایی، داده‌ها گردآوری و در سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی تحلیل شدند. بر این اساس، ۱۵ بعد اصلی و ۶۱ شاخص مؤثر بر مشارکت شهروندان استخراج شد. در بخش کمی، جامعه آماری شامل ۵۳۰ نفر از مدیران اجرایی، نمایندگان ادوار مجلس، و استانداران بود که با استفاده از فرمول کوکران، نمونه‌ای به حجم ۳۱۶ نفر انتخاب و مورد ارزیابی قرار گرفت. ابزار گردآوری داده‌ها، پرسش‌نامه‌ای بر مبنای شاخص‌های کیفی بود که روایی و پایایی آن با استفاده از تحلیل عاملی و ضریب آلفای کرونباخ تأیید شد. نتایج حاصل از آزمون فریدمن نشان داد که شاخص‌هایی مانند شفافیت، آموزش عمومی و تعامل مستمر از اولویت بالاتری برخوردارند. در نهایت، الگوی پیشنهادی در قالب یک مدل مفهومی ارائه گردید که به صورت نظام‌مند شرایط علی، زمینه‌ای، مداخله‌گر، راهبردها و پیامدهای مشارکت شهروندان در خط‌مشی‌گذاری عمومی را تبیین می‌کند. این الگو می‌تواند مبنایی برای تقویت حکمرانی مشارکتی در نظام سیاست‌گذاری کشور قرار گیرد.	نوع مقاله: مقاله پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۰۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۲۸
مشارکت شهروندان، خط‌مشی‌گذاری عمومی، نظریه داده‌بنیاد، تحلیل مضمون، حکمرانی مشارکتی	کلیدواژه‌ها

ناشر: دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرقدس

ایمیل: mo.mohammadi@iauctb.ac

* نویسنده مسئول: محمد محمدی

۱. گروه مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بین‌المللی کیش، کیش، ایران

۲. گروه مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

۳. گروه مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، تهران، ایران

مقدمه

خطمشی‌ها، اندیشه ما را در تصمیم‌گیری راهنمایی می‌کنند. خطمشی مشخص‌کننده محدوده‌ای است که تصمیم‌های آتی باید در داخل آن اتخاذ شود. خطمشی عمومی را به شکل‌های گوناگون و در قالب الفاظ متفاوت تعریف کرده اند، اما به طور ساده می‌توان گفت، خطمشی عمومی تصمیمی است که در قبال یک مشکل عمومی اتخاذ می‌شود. یکی از مهم‌ترین ابزارهای مدیریت دولتی نوین خطمشی‌های عمومی می‌باشد که چارچوبی را برای سایر تصمیم‌گیری‌ها فراهم می‌آورد. این مساله لزوم تجزیه و تحلیل خطمشی‌های عمومی را به عنوان یک موضوع درخور توجه در مدیریت نوین مطرح می‌سازد (خداوند باینگی و همکاران، ۱۴۰۱). خطمشی‌گذاری عمومی فرآیندی است که در آن دولت‌ها تصمیمات اساسی را جهت حل مسائل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی اتخاذ می‌کنند. یکی از مهم‌ترین اهداف خطمشی‌گذاری عمومی، بهبود کارایی دولت‌ها و ارتقای رضایت عمومی است. این فرایند، نقش حیاتی در تحقق اهداف توسعه پایدار، افزایش شفافیت، کاهش فساد و تخصیص بهینه منابع دارد. خطمشی‌گذاری صحیح می‌تواند باعث تسهیل در فرآیندهای اداری و افزایش بهره‌وری در بخش‌های گوناگون دولتی شود. با بکارگیری روش‌های علمی و مبتنی بر شواهد، دولت‌ها قادرند تصمیم‌هایی بهتر اتخاذ کرده و پاسخ‌گویی خود را به مردم تقویت کنند. از سوی دیگر، اجرای سیاست‌های موثر و منطبق با نیازهای جامعه موجب افزایش اعتماد عمومی و در نهایت، رضایت مردم از عملکرد دولت می‌شود. تحلیل‌ها و بررسی‌های متعدد نشان می‌دهد که شفافیت در فرآیندهای تصمیم‌گیری، مشارکت مردم در تدوین خطمشی‌ها و به کارگیری فناوری‌های نوین می‌تواند به بهبود کارایی و رضایت عمومی منجر شود. همچنین، توجه به ابعاد اقتصادی و اجتماعی در طراحی سیاست‌ها، نقشی اساسی در ایجاد تعادل و پایدار بودن تصمیمات دولتی ایفا می‌کند. در مجموع، خطمشی‌گذاری عمومی موثر، راهی برای ارتقای حکمرانی خوب و توسعه پایدار است که تأثیرات عمیقی بر کارایی و رضایت عمومی خواهد گذاشت (موسوی، ۱۴۰۴). اساساً یکی از مهم‌ترین و اثرگذارترین رویکردها جهت نیل به یک یا مجموعه‌ای از اهداف سازمانی، تلاش و تمرکز مدیران آن سازمان بر سه موضوع اتخاذ، اجرا و ارزیابی مجموعه‌ای از سیاست‌های مبتنی بر واقعیت، شناسایی متغیرهای سازمانی و محیطی و در نهایت، قابلیت تعامل با افراد و سازمان‌های دیگر است (عبدلی محمدآبادی و همکاران، ۱۴۰۳). خطمشی‌گذاری عمومی یکی از موثرترین ابزارهای دولت‌ها برای هدایت جامعه به سمت اهداف کلان همچون عدالت اجتماعی و توسعه پایدار است. این فرایند شامل طراحی، اجرا و ارزیابی سیاست‌هایی است که بر ابعاد گوناگون زندگی اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی تأثیر می‌گذارند. عدالت اجتماعی که به توزیع عادلانه منابع، فرصت‌ها و دسترسی به خدمات عمومی اشاره دارد، در مرکز بسیاری از خطمشی‌ها قرار دارد. از سوی دیگر، توسعه پایدار به عنوان چارچوبی برای برقراری تعادل میان نیازهای اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی نسل‌های کنونی و آینده مطرح است. خطمشی‌گذاری عمومی زمانی موثر خواهد بود که با رویکردی جامع و مشارکتی، به مسائل ساختاری مانند فقر، نابرابری، تبعیض و تخریب محیط زیست پاسخ دهد. در این راستا، مشارکت ذی‌نفعان، شفافیت در تصمیم‌گیری و پاسخگویی نهادهای عمومی از ارکان اصلی موفقیت سیاست‌ها محسوب می‌شوند (موسوی، ۱۴۰۳). این موضوع بویژه برای سازمان‌های مهم و اثرگذار دولتی که سیاست‌های اتخاذ شده آنان به گونه مستقیم بر روند زندگی اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و حتی سیاسی شهروندان اثرات مستقیمی می‌گذارد بسیار ملموس‌تر است. بنابراین، عدم توجه و تمرکز لازم بر این موضوع، نه موضوعی مهم که بایستی بدان اشاره داشت این است که اجرای صحیح و اصولی فرآیند خطمشی‌گذاری عمومی نه تنها می‌تواند اهداف مورد نظر را با سرعت، دقت و کیفیت بالاتری محقق کند بلکه پیامدهای مهمی همچون افزایش رضایت شهروندان، ارتقاء تعامل سازنده میان سیاست‌گذاران و شهروندان، افزایش مسئولیت‌پذیری و در نهایت، افزایش انگیزه جهت حل و فصل مشکلات اجتماعی، اقتصادی و ... را به همراه خواهد داشت (یانگ و لین^۱، ۲۰۲۴). به بیانی دیگر، خطمشی‌گذاری چشم‌اندازی مثبت از نگرش مردم به راندمان دولت‌ها و ارزیابی از عملکردهای اجرایی از رفع نیازهای مردم نسبت به فعالیت‌های ارکان حکمرانی و دولت بشمار می‌رود، به گونه‌ای که هر چه خطمشی‌گذاری با نیازهای جامعه هماهنگی می‌شود دارا باشد ارزیابی خطمشی‌گذاری دولت از منظر ملت با چشم‌اندازی خوشایند همراه خواهد بود (هارتلی و آلدوگ^۲،

^۱. Yang & Lin

^۲. Hartley & Aldag

۲۰۲۴). درواقع، شهروندان به عنوان اعضای یک جامعه در حوزه‌های گوناگون مشارکت دارند و در برابر این حقوقی که دارند مسئولیت‌هایی نیز در راستای اداره بهتر جامعه و ایجاد نظم بر عهده دارند. لذا، شناخت حقوق شهروندی نقشی موثر در ارتقای حوزه‌های گوناگون دارد (هرناندز^۱ و همکاران، ۲۰۲۳). از سوی دیگر، واقعیت انکارناپذیر جوامع امروزی دلالت بر این موضوع دارد که مشارکت عمومی برای عملکرد یک جامعه دموکراتیک و کثرت‌گرا حیاتی است. به همین سبب، در سال‌های اخیر تلاش‌هایی گسترده جهت مشارکت هرچه می‌شو و سازنده‌تر شهروندان در فرآیندهای خط‌مشی‌گذاری عمومی صورت پذیرفته است (وحیدزاده و گیوریان، ۱۴۰۲).

مشارکت پذیری اعضای جامعه به عنوان نیاز اجتناب‌ناپذیر عصر ما همه ابعاد انسانی را در سطوح گوناگون فکری، عاطفی و رفتاری تحت پوشش قرار می‌دهند. فرایند مشارکت پذیری از رویکردهای متفاوتی قابل توجه است، اما نظام‌مند بودن کنش اجتماعی ایجاب می‌کند تا شرایط و موانع فرهنگی مشارکت پذیری اعضای جامعه بررسی شود. امروزه مقوله مشارکت مردم شرط توفیق هر نوع برنامه و رهیافت کلان اقتصادی، اجتماعی و توسعه بشمار می‌رود و علت این امر نیز گستردگی و تنوع زمینه‌های مشارکت است بنابراین هرگز نمی‌توان به برداشتی محدود از مفهوم فراگیر مشارکت اکتفا کرد (غفاری، ۱۳۹۱).

مشارکت شهروندان یکی از ارکان اصلی حکمرانی دموکراتیک در عصر حاضر بشمار می‌آید. مشارکت از دیدگاه نظری، کنشی آگاهانه، داوطلبانه و هدفمند است که از راه آن شهروندان می‌توانند در فرآیندهای تصمیم‌گیری عمومی نقش‌آفرینی کنند. در ادبیات خط‌مشی‌گذاری عمومی، مشارکت مردم هم به‌عنوان یک ابزار کارآمد در بهبود کیفیت خط‌مشی‌ها و هم به‌عنوان یک هدف اجتماعی مورد توجه است. در سطح نظری، مشارکت دارای ابعاد گوناگونی شامل شفافیت، پاسخگویی، دسترسی به داده‌ها، آموزش مدنی و نهادسازی مدنی است. پژوهش‌های داخلی و خارجی نیز نشان می‌دهند که ضعف در این ابعاد می‌تواند باعث شکاف در فرآیند خط‌مشی‌گذاری شود. در این میان، ابزارهای فناورانه، ساختار فرهنگی جوامع و میزان اعتماد عمومی نقشی مهم در ارتقاء یا تضعیف مشارکت ایفا می‌کنند.

معتضدیان و همکاران (۱۴۰۲) در پژوهشی به بررسی و تبیین نحوه مشارکت عمومی در فرایند خط‌مشی‌گذاری (مطالعه موردی: کشور سوئیس) پرداختند. نتایج این پژوهش نشان داد که، مشارکت مستقیم فرایندی پایین به بالا است. مهم‌ترین کاستی مشارکت مستقیم، مشارکت نابرابر طبقات اجتماعی است و برای اجتناب از آن بایستی رویه‌های دموکراسی مستقیم ساده باشد. در سوئیس از دو سازوکار ابتکارات مردمی و فراندوم استفاده می‌شود. بیش‌ترین تمرکز مشارکت مستقیم در مرحله تدوین خط‌مشی‌های عمومی است. مشارکت مستقیم در هر سه سطح ملی، کانتونی و محلی و راجع به تمامی موضوعات استفاده می‌شود. آنچه مشارکت مستقیم را معنادار کرده است، ابزارهای دموکراسی است و در نهایت، سازوکار مشارکتی مورد استفاده و مرحله خط‌مشی تعیین‌کننده تعادل بین دیدگاه عامه و دیدگاه نخبگان است. نتیجه‌گیری: فرهنگ سیاسی مشارکت مستقیم یک فرایند یادگیری جمعی است که برای توسعه نیاز به زمان دارد و هم‌چنین امکان‌هایی برای اصلاح خطاها.

قربانی زاده و همکاران (۱۴۰۱) با بررسی سناریوهای آینده مشارکت عمومی در خط‌مشی‌گذاری ایران انجام گرفت نشان دادند که آینده مشارکت عمومی در خط‌مشی‌گذاری از پیش معین نیست و متاثر از دو عدم قطعیت است؛ از یک سو نوع حکومت می‌تواند بر وضعیت مشارکت عمومی در خط‌مشی‌گذاری تاثیر بگذارد و از سوی دیگر فرهنگ ملی در این عرصه به دلایل گوناگون می‌تواند مشارکتی یا اقتدارطلبی باشد. بدین ترتیب وضعیت مشارکت عمومی در خط‌مشی‌گذاری متفاوت خواهد بود. در همین رابطه چهار سناریوی دموکراسی تفاهمی (از تقاطع فرهنگ مشارکتی و حکومت دموکراتیک)، دموکراسی اکثریتی (از تقاطع فرهنگ اقتدارطلبی و حکومت دموکراتیک)، اقتدارگرایی انتخاباتی (از تقاطع فرهنگ مشارکتی و حکومت اقتدارگرا) و سیستم بسته (از تقاطع فرهنگ اقتدارگرایی و حکومت اقتدارگرا) مورد بررسی قرار گرفت. عباسی و دانشفرد (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان: الگوی مشارکت شهروندان در مرحله نخست خط‌مشی‌گذاری عمومی (شناسایی مسائل عمومی) نشان دادند که مشارکت عمومی منجر به افزایش اعتماد عمومی، تقویت کارایی سیاسی شهروندان، ارتقای سطح آرمان‌های دموکراتیک و بالا بردن کیفیت تصمیم‌ها بد. در بحث مشارکت شهروندان در مرحله اول خط‌مشی‌گذاری عمومی، عارضه یابی و ریشه‌یابی مشکلات نوعی زبان مشترک بین تصمیم‌گیرندگان و عامه مردم ایجاد کرده و از بروز بسیاری سوء تفاهم‌ها و قضاوت

^۱. Hernandez

های نادرست جلوگیری می‌کند. حال اگر شهروندان در عارضه‌یابی و ریشه‌یابی کنار گذاشته شوند و آرای آنها نادیده گرفته شود، به عنوان شهروندانی وفادار و متعهد به آرمان‌های جامعه خود قادر به ایفای نقش نخواهند بود.

بابایی و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی مشارکت شهروندان در خط‌مشی‌گذاری (تبیینی بر تجلی حقوق شهروندی در حکمرانی خوب) را مورد مطالعه قرار دادند. نتایج پژوهش آنان نشان داد که شهروندان به عنوان اعضای یک جامعه در حوزه های گوناگون مشارکت دارند و در برابر حقوقی که دارند، مسوولیت هایی را نیز در راستای اداره بهتر جامعه و ایجاد نظم بر عهده می‌گیرند، و شناخت این حقوق و تکالیف نقش موثری در ارتقای شهروندی دارد. حقوق شهروندی درواقع، مجموعه حقوقی است که افراد به اعتبار موقعیت شهروندی خود دارا می‌باشند و نیز مجموعه قواعدی که بر موقعیت آنان در جامعه حکومت می‌کند. رمضانپور و همکاران (۱۳۹۸) با ارائه الگوی عوامل موثر بر مشارکت نخبگان در فرآیند تدوین خط‌مشی‌های عمومی نظام جمهوری اسلامی ایران به این نتیجه دست یافتند که ایجاد شبکه‌های آموزشی و پژوهشی و فن آوری بین دانشگاه ها و موسسات پژوهشی و سازمان های اجرایی کشور، تاثیرگذارترین عامل و اصلاح رفتار سیاسی - اجتماعی در سطح ملی، تاثیر پذیرترین عامل در بین عوامل احصا شده است. این پژوهش می‌تواند مبنای عمل خط‌مشی‌گذاران جهت جلب مشارکت نخبگان در نظام خط‌مشی‌گذاری عمومی کشور قرار گیرد.

کوریا و همکاران^۱ (۲۰۲۳)، در پژوهش خود پیرامون راهکارهای روش‌شناسی مشارکتی برای ترویج مشارکت شهروندان در تصمیم‌گیری (شواهد مبتنی بر مطالعه موردی پرتغالی) نشان دادند که نقش شهروندان برای تبدیل شدن به عوامل فعال در تصمیم‌گیری تکامل یافته است. با این حال، رویه های تعریف خط‌مشی موجود هنوز برای مشارکت دادن شهروندان و مشارکت گروه‌های خاص طراحی نشده است. افزون بر این، درک علائق و انگیزه‌های شهروندان برای تنظیم روش‌ها و ایجاد روش‌های دموکراتیک که به آنها احساس راحتی و تمایل به مشارکت می‌دهد حیاتی است. در این زمینه این پژوهش به بررسی چگونگی نگاه سیاست‌گذاران به نقش شهروندان در سیاست‌گذاری می‌پردازد.

سارا جونگ^۲ (۲۰۲۳)، با بررسی ابزارهای دیجیتال و طراحی بهبود مشارکت در سیاست‌گذاری عنوان می‌کند که چگونه می‌توان از ابزارهای دیجیتال و اصول طراحی برای بهبود مشارکت عمومی در سیاست‌گذاری استفاده کرد. مشاوره‌های دولتی اغلب به دلیل غیر قابل در دسترس بودن عموم مردم را درگیر سیاست‌گذاری نمی‌کند. زاعزو^۳ (۲۰۲۴) در پژوهشی به بررسی مشارکت شهروندان در تامین مالی پروژه‌های ملی (مطالعه کاربردی در مورد گسترش کانال سوئز مصر) پرداخت. نتایج این پژوهش نشان داد که شهروندان مصری از انگیزه بالا جهت مشارکت در پروژه ملی کانال سوئز برخوردار بودند و غرق در احساسات و عواطف میهن پرستانه شدند که آنها را مجبور به مشارکت در پروژه ملی کرد این موضوع در آن زمان توسط دولت مصر با انگیزه جوایز مبتنی بر عملکرد شهروندان قوت گرفت. واگنر و همکاران (۲۰۱۶) به شرایط مطلوب آینده مشارکت عمومی در خط‌مشی‌های عمومی از دیدگاه خط‌مشی‌گذاران آلمانی پرداخته‌اند. متفیرهایی که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته‌اند عبارتند از: فرصت‌های چندگانه برای مشارکت نقطه تماس مرکزی، درجه بالای شفافیت درگیری عموم با تصمیمات سیاسی؛ مشارکت مدنی اولیه، مشارکت عمومی به‌عنوان مشروع‌سازی، رسانه‌های اجتماعی برای بالا بردن کیفیت تصمیمات، مشارکت الکترونیک، حفظ صلاحیت تصمیم‌گیری، برنامه‌های کاربردی متغیرهای اقتصادی و اجتماعی.

با توجه به ادبیات و مبانی نظری پژوهش و به استناد نتایج پژوهش هایی که به آنها اشاره رفت وجه ایجابی این پژوهش این است که در صورتی که مولفه‌ها و الگوی مشارکت شهروندان در فرآیند خط‌مشی‌گذاری عمومی به شکل واقع بینانه و بروز استخراج نشود، این نقص واکنشی می‌تواند آسیب‌هایی جبران ناپذیر بر رابطه بین حکمرانی و مردم از نظر اعتماد اجتماعی و کاهش سرمایه اجتماعی را ایجاد کند و این سرآغاز آشفتگی‌های اجتماعی در حکمرانی بوجود خواهد آورد و دولت و ملت نمی‌توانند تعامل مثبت داشته باشند این امر وجه تمایز و تفاوت انجام این پژوهش با پژوهش‌های گذشته است. با توجه به اینکه سیاست‌گذاری و تعیین خط‌مشی بدون توجه به نظرات شهروندان منجر به تصمیم‌گیری‌های ناکارآمد می‌شود؛ لذا،

¹. Correia, Diogo, Eduardo Feio José, Marques João, Teixeira Leonor

². Sarah Jeong

³. Zaazou

طراحی و تدوین الگوی مشارکت شهروندان می‌تواند باعث کاهش جرم و جنایت، توسعه شهری، بهبود حمل و نقل عمومی، افزایش قدرت تصمیم‌گیری در رویارویی با مشکلات و... می‌شود. هم اکنون در کشور ایران شهروندان کم‌تر در فرآیند خط‌مشی‌گذاری عمومی نقش ایفا می‌کنند؛ به عنوان نمونه موضوع مذکور در شرکت در انتخابات سال‌های اخیر به وضوح دیده می‌شود. بی‌گمان مشارکت شهروندان در فرآیند خط‌مشی‌گذاری عمومی یک ضرورت در هر حکمرانی است. پیش نیاز مشارکت، شهروندان آگاه و توانمند است و برای این منظور تقویت ابزارهای دموکراسی (رسانه‌های آزاد، احزاب قوی، جامعه مدنی قوی) بسیار بااهمیت است چراکه مشارکت شهروندان حاصل دانش شخصی، اعتماد و تبلیغات است. از این رو، وجود احزاب و جامعه مدنی قوی و پاسخگو بسیار مهم است و در غیر این صورت به یکی از نقاط ضعف مشارکت مستقیم تبدیل می‌شود. با توجه به آنچه گفته شد ارائه راهکاری جهت رفع خلاء موجود و افزایش مشارکت شهروندان یکی از دلایل انتخاب موضوع فوق می‌باشد. در این پژوهش، طراحی الگوی بهینه‌سازی مشارکت شهروندان در فرآیند خط‌مشی‌گذاری عمومی با رویکرد داده بنیاد است. بر این اساس، سوال اصلی این پژوهش عبارت است از: الگوی بهینه‌سازی مشارکت شهروندان در فرآیند خط‌مشی‌گذاری عمومی مبتنی بر چه ابعادی است؟

روش‌شناسی پژوهش

روش پژوهش برحسب هدف، کاربردی؛ برحسب نوع داده، کیفی می‌باشد. این پژوهش از رویکردی کیفی با هدف شناسایی ابعاد و شاخص‌های مطلوب مشارکت شهروندان در فرآیند خط‌مشی‌گذاری عمومی استفاده می‌کند. دلیل انتخاب رویکرد کیفی، نیاز به درک عمیق و جامع از تجربیات و نظرات خبرگان و شهروندان در این زمینه است. از آنجا که هدف اصلی پژوهش، شناسایی شاخص‌ها و ابعاد مطلوب است، روش تحلیل محتوای کیفی به عنوان ابزار اصلی مورد استفاده قرار گرفته است. در بخش کیفی پژوهش، نمونه‌گیری به صورت هدفمند و از میان نخبگان دانشگاهی و متخصصان حوزه سیاست‌گذاری و مدیریت عمومی انجام شد. حجم نمونه بر اساس اشباع نظری تعیین شد و شامل ۱۵ نفر از خبرگان بود. در بخش کمی، جامعه آماری پژوهش شامل ۵۳۰ نفر از مدیران اجرایی و سیاست‌گذاران مرتبط با موضوع پژوهش بود. حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران ۳۱۶ نفر تعیین شد. ابزار گردآوری داده‌ها، پرسش‌نامه محقق ساخته با ۶۱ گویه بر مبنای یافته‌های کیفی بود. داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS تحلیل و آزمون‌هایی نظیر آلفای کرونباخ، تحلیل عاملی اکتشافی و آزمون فریدمن برای بررسی پایایی، اعتبار سازه و اولویت بندی شاخص‌ها استفاده شد. داده‌های این پژوهش از راه مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته و بررسی مستندات گردآوری شده است. مصاحبه‌ها با خبرگان و شهروندان منتخب انجام شد و هر مصاحبه به طور متوسط بین ۶۰ تا ۹۰ دقیقه به طول انجامید و بررسی مستندات مرتبط با مشارکت شهروندان در فرآیندهای خط‌مشی‌گذاری، شامل گزارش‌ها، اسناد دولتی و مقالات علمی نیز مورد بررسی و تحلیل قرار گرفتند تا ابعاد و شاخص‌های موجود در ادبیات موضوع نیز در تحلیل نهایی لحاظ شود. برای گردآوری داده‌ها، از ابزارهای راهنمای مصاحبه یک راهنمای مصاحبه بر اساس اهداف پژوهش و سؤالات کلیدی طراحی شد. این راهنما شامل سؤالاتی در مورد تجربه مشارکت شهروندان، موانع و چالش‌های موجود و شاخص‌های موفقیت مشارکت بود و استخراج کدهای اولیه به روش براون و کلارک (استخراج مفاهیم اولیه از عبارات معنایی نگارش) انجام خواهد گرفت. در گام بعدی شناسایی تم‌ها (تم‌های اولیه) و تم‌های فرعی و اصلی سپس بررسی تم‌ها (تجمیع تم‌های فرعی به تم‌های اصلی) برای تعریف تم‌ها (یکپارچگی، جامعیت و مفید بودن تم) مورد بررسی قرار گرفت. برای تحلیل داده‌های گردآوری شده از روش تحلیل محتوای کیفی استفاده شد. مراحل تحلیل شامل موارد زیر است:

کدگذاری باز در این مرحله، داده‌ها به صورت باز کدگذاری شدند تا مضامین و الگوهای اصلی از دل داده‌ها استخراج شوند. این کار به صورت خط به خط انجام گرفت تا هیچ نکته‌ای مهم از قلم نیفتد، کدگذاری محوری پس از شناسایی کدهای اولیه، کدهای مشابه و مرتبط به صورت محوری دسته‌بندی شدند. این کار باعث شد تا ابعاد و شاخص‌های کلیدی مشخص شوند و شناسایی مضامین اصلی: در این مرحله، مضامین اصلی که نمایانگر ابعاد و شاخص‌های مطلوب مشارکت شهروندان بودند، استخراج شدند.

یافته‌های پژوهش

در این بخش، نتایج تحلیل مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته در سه مرحله کد گذاری باز، محوری و انتخابی ارائه می‌شود. یافته‌ها در قالب ابعاد کلیدی دسته‌بندی شده‌اند که مبنای طراحی مدل نهایی مشارکت شهروندان را تشکیل می‌دهند. تحلیل مصاحبه‌ها نشان داد که مشارکت شهروندان در فرآیند خط‌مشی‌گذاری تحت تأثیر عوامل متعددی قرار دارد که در قالب ابعاد مشخصی قابل دسته‌بندی‌اند. این ابعاد در فرآیند کدگذاری باز از مفاهیم پایه استخراج شده و سپس در مراحل بعدی ساختاردهی شدند.

یافته‌های بخش کیفی

جدول ۱. مشخصات دموگرافیک مصاحبه‌شوندگان در بخش کیفی

ردیف	شاخص	تعداد	درصد
۱	جنسیت	مرد	۲۰
		زن	۸۰
۲	تحصیلات	ارشد	۱۰
		دکتری	۱۵
۳	سابقه و تخصص	بین ۱۵ تا ۲۰ سال	۱۲
		از ۲۱ تا ۲۵ سال	۸
		بیش از ۲۵ سال	۵
۴	حوزه فعالیت	سیاست‌گذاری	۱۰
		مدیریت	۴۰
		محیط زیست	۵

در بخش کیفی پژوهش، محور اصلی سؤالات پژوهش مربوط به کاوش و اکتشاف عوامل متأثر در خصوص ابعاد، مولفه‌ها و شاخص‌های مربوط به طراحی الگوی بهینه‌سازی مشارکت شهروندان در فرآیند خط‌مشی‌گذاری عمومی به عنوان مفهوم اصلی بود.

گام نخست: کدگذاری باز

در مرحله کدگذاری باز، ۳۲۹ کد اولیه از مجموع مصاحبه‌ها استخراج شد که در گام بعدی در قالب مضامین اولیه و ابعاد اصلی دسته‌بندی شدند. این کدها نمایانگر دغدغه‌ها، نیازها و نگرش‌های مشارکت‌کنندگان نسبت به سازو کارهای خط‌مشی‌گذاری عمومی بودند.

مضامین اولیه در مرحله کدگذاری محوری به ۱۵ بعد اصلی تبدیل شدند که هر یک بیانگر حوزه‌ای از عوامل موثر بر مشارکت شهروندان هستند. از جمله این ابعاد می‌توان به شفافیت، آموزش و یادگیری، فرهنگ‌سازی و فراگیری اشاره کرد. فرآیند کدگذاری باز هنگامی به پایان رسید که طبقه‌بندی معناداری پس از چندین بار رونوشت برداری از مصاحبه‌ها بدست آمد که این موضوع در این پژوهش به احصاء ۳۲۹ کد مفهومی اولیه در کدگذاری باز منتهی شد. نتایج حاصل از کدگذاری باز در قالب جدول ۳ تبیین شده است:

جدول ۲. ابعاد و شاخص‌های مدل

ابعاد (کدگذاری محوری)	شاخص (کدگذاری باز)
مسئولیت و تعهد	رعایت هنجارهای سیاسی و اجتماعی پاسخگویی در برابر پذیرش اشتباهات فرهنگ کار گروهی قدرتمند
تعاملات مستمر	قدرت انتقاد پذیری ترسیم اهداف مشترک اشتراک اطلاعات و دانش رقابت پذیری سازنده
آموزش و یادگیری	تدوین سرفصل‌های آموزشی نوین استفاده از نیروهای نخبه و توانمند یاددهی مستمر نیروها و کارمندان
شفافیت	دسترسی آزاد به اطلاعات وضوح در اهداف و فرآیندها کارآمدی قوانین بازدارنده گزارش دهی منظم و دقیق
فرهنگ‌سازی	مسئولیت اجتماعی تشویق مصرف کنندگان سبز به کارگیری رویکرد نوآوری سبز دانش و تجربه مدیران
نگرش و آگاهی مدیران	ذهن آگاهی مدیران نهادینگی مدیریت سبز قدرت بالای مانور در شرایط متغیر و بحرانی تنوع در شرکت کنندگان
فراگیری	عدم تبعیض نماینده‌گی مناسب از گروه‌های گوناگون اجتماعی دستیابی به تجهیزات مدرن روز تعامل گسترده با شرکت‌های دانش بنیان داخلی
تأسیسات و تجهیزات مدرن	جایگزینی تأسیسات مستهلک و قدیمی تعامل گسترده با شرکت‌های موفق خارجی تحولات گسترده دیجیتالی در شهرداری‌ها حاکمیت فناوری
تکنولوژی و عملیات فنی	استفاده از پیشنهادات سازنده اجتماعی تفویض بخشی از مسئولیت‌های اجرایی به طبقات اجتماعی و نمایندگان آنان شناسایی و اولویت‌سنجی ضرورت‌های شهری با استفاده از نقطه نظرات طیف‌های گوناگون
سیاست‌گذاری‌های میان‌مدت و بلندمدت شهرداری	شناسایی مستمر فرصت‌ها و تهدیدها ارزیابی مستمر راهبردها تدوین سناریوهای گوناگون و پلن‌های متعدد استفاده از نقطه نظرات کارشناسان و خبرگان
نظارت و ارزیابی مستمر	

تشکیل کانون‌های نظارت و پایش مردمی	برنامه‌های مدیریت مصرف شهروندان
ارائه الگوهای نوین مصرف به شهروندان	
رعایت مدیریت مصرف برای تمامی طبقات و اقشار	
استفاده از ظرفیت رسانه‌ها در آموزش صحیح مصرف	
اتخاذ و اجرای الگوهای تشویقی و تنبیهی مناسب	
تقویت فرهنگ خود رعایتی	
افزایش قدرت قانونی شهرداری	برنامه‌های مدیریت آلاینده‌های شهری
استفاده از سیستم حمل و نقل الکترونیکی	
جایگزینی خودروهای قدیمی و آلاینده با استفاده از خودروهای نوین و برقی	
مدیریت پسماندها و آلاینده‌های شهری	
استفاده از ظرفیت شرکت‌های خصوصی و توانمند	توسعه فضای سبز شهری
افزایش سرانه فضای سبز شهری	
تولید و تکثیر گیاهان مقاوم به منظور مدیریت هزینه	
تخصیص بودجه لازم و مکفی برای توسعه فضای شهری	
افزایش قدرت قانونی طبقات اجتماعی	مشارکت فعال و پویای اجتماعی
پاسخگویی مسئولان در قبال طبقات مردمی	
تخصیص امکانات فضای سبز شهری برای تمامی مناطق شهر تهران	
افزایش اعتماد میان مردم و مسئولان شهری	
ارزیابی پایداری زیست محیطی	
سرمايه‌گذاری در حوزه مدیریت انرژی	
افزایش رفاه شهری برای شهروندان	
ایجاد فضای ارتباطی باز درون و برون‌سازمانی در رسیدن به هدف	
افزایش امنیت اخلاقی و هنجاری در فضاهای سبز شهری	

پس از تحلیل کیفی داده‌های کیفی، مدل پارادایمی بدست آمده در قالب شکل ۱ نشان داده می‌شود:



شکل ۱. مدل پارادایمی پژوهش در محیط نرم افزار مکس کیودا

یافته‌های بخش کمی

آمار توصیفی

در بخش کمی پژوهش، از آزمون‌های آماری مناسب با اهداف پژوهش و نوع داده‌ها استفاده شده است. تحلیل عاملی اکتشافی برای بررسی روایی سازه‌ها و شناسایی ابعاد پنهان شاخص‌های مشارکت شهروندان بکار گرفته شد.

درخصوص آمار توصیفی در بخش کمی پژوهش بایستی اذعان داشت، از تعداد ۲۸۵ تن از نمونه‌ها ۱۸۸ نفر مرد (۶۶ درصد) و ۹۷ نفر زن (۳۴ درصد) بوده‌اند. از این تعداد، ۴۵ نفر کمتر از ۳۰ سال (۱۵/۸ درصد)، ۸۵ نفر بین ۳۱ تا ۴۰ سال (۲۹/۹ درصد)، ۱۱۴ نفر بین ۴۱ تا ۵۰ سال (۴۰ درصد) و ۴۱ نفر (۱۴/۳ درصد) می‌شود. ۵۱ سال داشته‌اند. در خصوص شاخص تحصیل، ۹۳ نفر دارای مدرک پایین‌تر از کارشناسی (سیکل، دیپلم و کاردانی) (۳۱/۷ درصد)، ۹۴ نفر دارای مدرک کارشناسی (۳۲/۳ درصد)، ۷۷ نفر دارای مدرک کارشناسی ارشد (۲۸ درصد) و ۲۱ نفر دارای مدرک دکتری (۸ درصد) بوده‌اند. در خصوص شاخص سابقه کاری، تعداد ۲۲ نفر تا ۵ سال (۸ درصد)، ۴۸ نفر تا ۱۰ سال (۱۶/۸ درصد)، ۸۱ نفر از ۱۱ تا ۱۵ سال (۲۸/۴ درصد)، ۸۲ نفر، ۱۶ تا ۲۰ سال (۲۸/۶ درصد) و ۵۲ نفر بیش از ۲۱ سال (۱۸/۲) سابقه خدمت داشته‌اند.

آمار استنباطی

در این مرحله، ابتدا جهت تأیید روایی پرسش‌نامه، از روش روایی صوری و بر اساس نظرسنجی از ۲۰ تن از خبرگان و پس از چندین نوبت اصلاحات استفاده شد. بر اساس محاسبه میزان CVI و CVR محدودده آنان برای هر یک از گویه‌ها عددی بین ۰/۸ تا ۱/۰ را نشان داد. همچنین همانگونه که در فقه اشاره شد، جهت سنجش مدل پرسش‌نامه حاصل از مرحله کیفی پس از تأیید پایایی، با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای نسبی در میان ۲۸۵ تن از نمونه‌ها توزیع و اطلاعات بدست آمده از این بخش با استفاده از روش تحلیل عاملی اکتشافی و تأییدی با نرم افزارهای SPSS و AMOS مورد تحلیل واقع شدند.

سوال ویژه نخست: ابعاد الگوی بهینه‌سازی مشارکت شهروندان در فرآیند خط‌مشی‌گذاری عمومی کدامند؟

برای تشخیص این موضوع که آیا تعداد داده‌های مورد نظر پژوهش اعم از اندازه نمونه‌ها و روابط میان متغیرها، مناسب تحلیل عاملی می‌باشند یا خیر، از شاخص آزمون تناسب کایزر-مایر^۱ و آزمون بارتلت^۲ استفاده شد. آزمون تناسب کایزر-مایر شاخصی از کفایت نمونه‌گیری بوده که کوچک بودن هبستگی جزئی میان متغیرها را مورد بررسی قرار می‌دهد. شاخص آزمون تناسب کایزر-مایر این پژوهش در قالب جدول شماره ۳ و به شرح زیر بدست آمده است:

جدول ۳. نتایج شاخص KMO و آزمون بارتلت برای سازه پژوهش

سازه	عدد آزمون تناسب کایزر مایر و آزمون بارتلت
شرایط علی	KMO ۰/۸۵۳
	Bartlett ۱۸۷۸/۲۷۲
	Df ۱۲۰
	P-Value ۰/۰۰۰۹
شرایط زمینه‌ای	KMO ۰/۸۶۱
	Bartlett ۲۰۱۷/۳۶۴
	Df ۱۲۰
	P-Value ۰/۰۰۰۹
شرایط مداخله‌ای	KMO ۰/۷۸۲
	Bartlett ۱۳۱۴/۱۹۸

^۱. KMO (Kaiser-Meyer-Olkin Measure of sampling Adequacy)

^۲. Bartlett's Test of sphericity

۵۵	Df	
۰/۰۰۰۹	P-Value	
۰/۸۵۴	KMO	
۳۷۹۲/۸۰۴	Bartlett	
۴۹۶	Df	راهبرد
۰/۰۰۰۹	P-Value	
۰/۹۳۸	KMO	
۱۶۱۳/۰۶۶	Bartlett	
۱۰۵	Df	پیامد
۰/۰۰۰۹	P-Value	

جدول بالا، نشانگر این موضوع است که مقدار کفایت نمونه‌برداری یا KMO برای شرایط علی معادل ۰/۸۵۳، برای شرایط زمینه‌ای معادل ۰/۸۶۱، برای شرایط مداخله‌گر معادل ۰/۷۸۲، برای راهبردها معادل ۰/۸۵۴ و در نهایت، برای پیامدها معادل ۰/۸۲۹ بوده است. مقادیر مذکور نشان دهنده این موضوع هستند که گذشته از کفایت نمونه‌برداری، اجرای تحلیل عاملی بر پایه ماتریس همبستگی مورد مطالعه نیز دارای قابلیت توجیه می‌باشند.

مرحله دوم؛ کدگذاری محوری

در مرحله دوم که با عنوان کدگذاری محوری از آن یاد می‌شود، پژوهشگر یکی از طبقات را به مثابه طبقه محوری قرار داده و از آن به عنوان پدیده محوری مورد تحلیل قرار داده و در ادامه میزان ونحوه ارتباط سایر طبقات با آن را تعیین می‌کند. این ارتباط با سایر طبقات، می‌تواند در قالب پنج عنوان کلی صورت پذیرد:

۱- شرایط علی ۲- راهبردها ۳- بستر حاکم ۴- شرایط مداخله‌گر ۵- پیامدها

مرحله سوم؛ کدگذاری انتخابی

کدگذاری گزینشی یا انتخابی فرآیندی است که بر اساس آن، روند انتخاب مقوله اصلی به صورت منظم و سیستماتیک آن با سایر مقوله‌ها، اعتبار بخشیدن به روابط و پرکردن جاهای خالی با مقولاتی که نیاز به اصلاح و گسترش دارند. این روند شامل چندین گام است. گام نخست، متضمن توضیح خط اصلی داستان است. گام دوم، ارتباط مقولات تکمیلی بر پایه مقوله اصلی با استفاده از یک پارادایم که در کدگذاری محوری توصیف شده است. گام سوم، مرتبط ساختن مقولات به یکدیگر در سطح بعدی است. گام چهارم، به تأیید رساندن آن روابط در قبال داده‌ها است. آخرین گام، تکمیل مقولاتی است که اصلاح و یا نیاز به بسط و گسترش دارند.

جدول ۴. عوامل استخراج شده و درصد واریانس تبیین شده توسط ابعاد مدل پارادایمی

ابعاد			مجموع توان دوم بارهای عاملی			مجموع توان دوم بارهای عاملی		
			مقادیر ویژه اولیه			استخراج شده		
			درصد از			درصد از		
مسئولیت و تعهد			واریانس	در صد از	کل	واریانس	در صد از	کل
تعاملات مستمر	۵/۶۴	۳۵/۲۷	۳۵/۲۷	۵/۶۴	۳۵/۲۷	۳۵/۲۷	۳/۳۸	۲۱/۱۵
آموزش و یادگیری	۱/۷۴	۱۰/۹۰	۴۶/۱۷	۱/۷۴	۱۰/۹۰	۴۶/۱۷	۳/۱۷	۱۹/۸۴
شفافیت	۱/۶۴	۱۰/۲۶	۵۶/۴۴	۱/۶۴	۱۰/۲۶	۵۶/۴۴	۲/۴۶	۱۵/۳۶

۲۳/۲۲	۲۳/۲۲	۳/۷۱	۳۳/۷۱	۳۳/۷۱	۵/۳۹	۳۳/۷۱	۳۳/۷۱	۵/۳۹	فرهنگ‌سازی
۴۲/۰۷	۱۸/۸۵	۳/۰۲	۴۸/۲۷	۱۴/۵۶	۲/۳۳	۴۸/۲۷	۱۴/۵۶	۲/۳۳	نگرش و آگاهی
									مدیران
۵۹/۵۶	۱۷/۴۹	۲/۸۰	۵۹/۷۴	۱۱/۴۶	۱/۸۳	۵۹/۷۴	۱۱/۴۶	۱/۸۳	فراگیری
۲۵/۱۳	۲۵/۱۳	۲/۷۶	۳۲/۷۰	۳۲/۷۰	۳/۶۰	۳۲/۷۰	۳۲/۷۰	۳/۶۰	تأسیسات و
									تجهیزات مدرن
۴۸/۲۷	۲۳/۱۴	۲/۵۵	۵۵/۳۸	۲۲/۶۸	۲/۴۹	۵۵/۳۸	۲۲/۶۸	۲/۴۹	تکنولوژی و عملیات
									فنی
۶۸/۹۵	۲۰/۶۹	۲/۲۸	۶۸/۹۵	۱۳/۵۸	۱/۴۹	۶۸/۹۵	۱۳/۵۸	۱/۴۹	سیاست‌گذاری‌های
									میان‌مدت و
									بلندمدت شهرداری
۱۴/۲۶	۱۴/۲۶	۴/۵۶	۲۴/۹۴	۲۴/۹۴	۷/۹۸	۲۴/۹۴	۲۴/۹۴	۷/۹۸	نظارت و ارزیابی
									مستمر
۲۶/۱۷	۱۱/۹۱	۳/۸۱	۳۳/۴۰	۸/۴۶	۲/۷۱	۳۳/۴۰	۸/۴۶	۲/۷۱	برنامه‌های مدیریت
									مصرف شهروندان
۳۷/۴۴	۱۱/۲۷	۳/۶۱	۴۱/۳۱	۷/۹۱	۲/۵۳	۴۱/۳۱	۷/۹۱	۲/۵۳	برنامه‌های مدیریت
									آلاینده‌های شهری
۴۶/۳۸	۸/۹۴	۲/۸۶	۴۶/۳۸	۵/۰۸	۱/۶۲	۴۶/۳۸	۵/۰۸	۱/۶۲	توسعه فضای سبز
									شهری
۴۸/۶۸	۲۰/۳۸	۳/۰۶	۴۸/۸۴	۸/۷۸	۱/۳۲	۴۸/۸۴	۸/۷۸	۱/۳۲	مشارکت فعال و
									پویای اجتماعی

برای بررسی مدل پژوهش از تحلیل عاملی تأییدی مرتبه دوم استفاده شده که نتایج در جدول ۵ به شرح زیر آمده است:

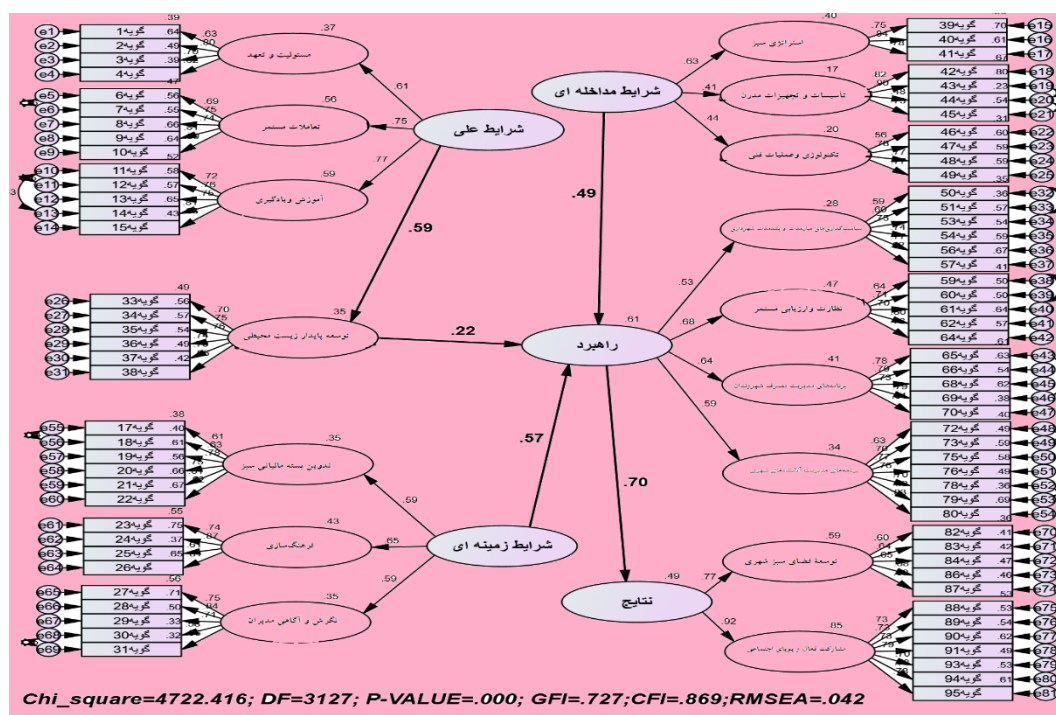
جدول ۵. تحلیل عاملی مرتبه دوم ابعاد تبیین‌کننده مدل پارادایمی پژوهش

نتایج	P-Value	مقادیر t	ضرایب استاندارد	ابعاد سازه الگوی بهینه‌سازی مشارکت شهروندان در فرآیند خط‌مشی‌گذاری عمومی
معنی‌دار است.	۰/۰۰۰۹	۶/۷۱۵	۰/۵۹	مسئولیت و تعهد
معنی‌دار است.	۰/۰۰۰۹	۸/۳۴۷	۰/۷۸	تعاملات مستمر
معنی‌دار است.	۰/۰۰۰۹	۸/۲۲۴	۰/۷۵	آموزش و یادگیری
معنی‌دار است.	۰/۰۰۰۹	۶/۰۱۳	۰/۶۰	شفافیت
معنی‌دار است.	۰/۰۰۰۹	۶/۶۹۲	۰/۶۷	فرهنگ‌سازی
معنی‌دار است.	۰/۰۰۰۹	۶/۱۷۹	۰/۵۶	نگرش و آگاهی مدیران
معنی‌دار است.	۰/۰۰۰۹	۵/۸۴۷	۰/۶۱	فراگیری
معنی‌دار است.	۰/۰۰۰۹	۳/۸۲۰	۰/۳۹	تأسیسات و تجهیزات مدرن
معنی‌دار است.	۰/۰۰۰۹	۳/۶۵۴	۰/۴۱	تکنولوژی و عملیات فنی
معنی‌دار است.	۰/۰۰۰۹	۶/۸۰۷	۰/۵۶	سیاست‌گذاری‌های میان‌مدت و بلندمدت شهرداری
معنی‌دار است.	۰/۰۰۰۹	۸/۸۶۶	۰/۷۷	نظارت و ارزیابی مستمر
معنی‌دار است.	۰/۰۰۰۹	۹/۸۳۳	۰/۷۳	برنامه‌های مدیریت مصرف شهروندان
معنی‌دار است.	۰/۰۰۰۹	۷/۴۲۱	۰/۵۹	برنامه‌های مدیریت آلاینده‌های شهری

از آنجایی که نتایج (پیامد) دارای دو بعد است، لذا، اجرای تحلیل عاملی مرتبه دوم برای آن امکان‌پذیر نخواهد بود. از دیگاه نمونه‌ها، ابعاد پانزده‌گانه مدل اکتشافی به عنوان سازه‌های مدل بهینه‌سازی مشارکت شهروندان در فرآیند خط‌مشی‌گذاری عمومی، تاثیرمعداری دارد.

سوال ویژه دوم: روابط بین ابعاد الگوی بهینه‌سازی مشارکت شهروندان در فرآیند خط‌مشی‌گذاری عمومی چگونه است؟

برای بررسی سوال دوم پژوهش با استفاده از تحلیل مسیر در مدل پژوهش به بررسی روابط بین ابعاد الگوی مطلوب توسعه فضای سبز کلانشهر تهران پرداخته‌شد. شکل ۲، خروجی اثرات و روابط میان هر یک از ابعاد مدل را در حالت ضرایب استاندارد نشان می‌دهد:



شکل ۲. مدل پارادایمی پژوهش در حالت ضرایب استاندارد

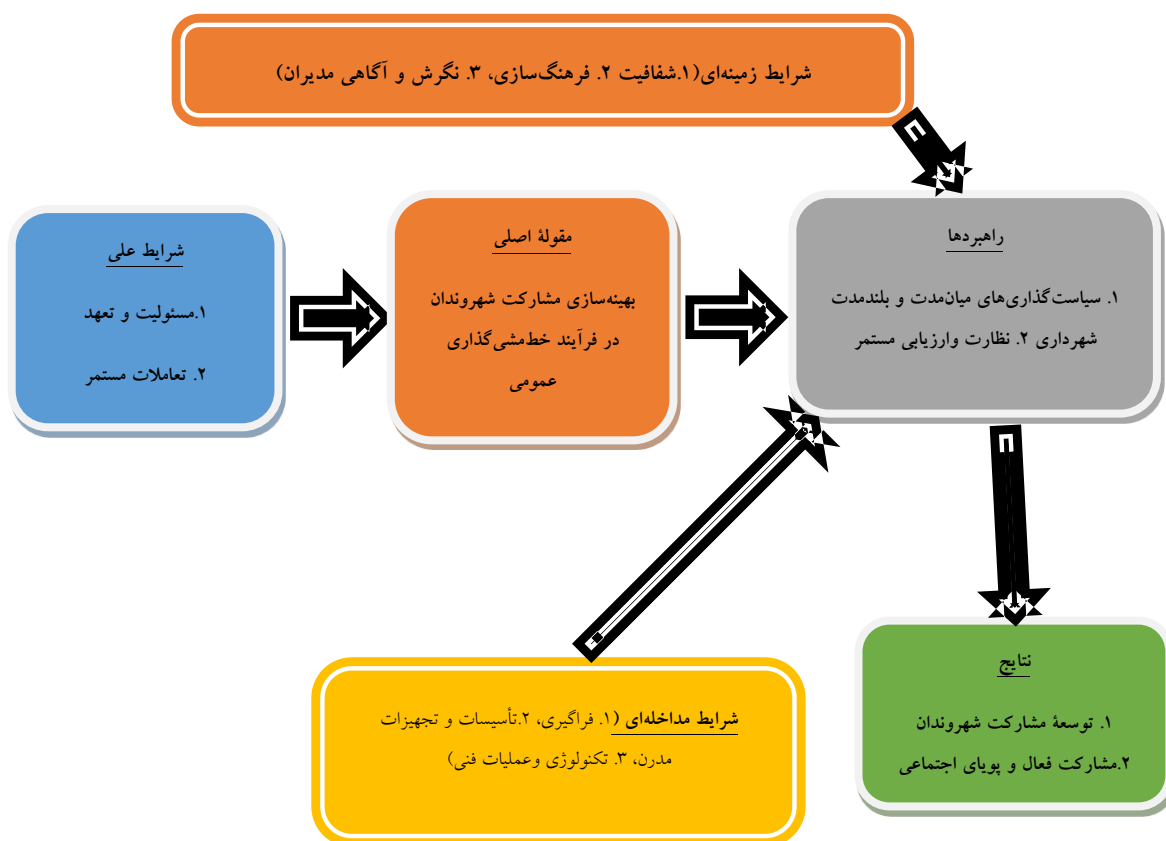
جدول ۶. تحلیل مسیر مدل پارادایمی پژوهش

مسیرها	ضرایب استاندارد	مقادیر t	P-Value	نتایج
شرایط علی بر مقوله اصلی	۰/۵۹	۵/۳۷۹	۰/۰۰۰۹	معنی دار است.
مقوله اصلی بر راهبردها (راهکارها)	۰/۲۲	۳/۰۱۸	۰/۰۰۰۹	معنی دار است.
شرایط زمینه ای بر راهبردها (راهکارها)	۰/۵۷	۴/۰۱۸	۰/۰۱۶	معنی دار است.
شرایط مداخله ای بر راهبردها (راهکارها)	۰/۴۹	۳/۱۹۴	۰/۰۰۰۹	معنی دار است.
راهبردها (راهکارها) بر نتایج (پیامدها)	۰/۷۰	۴/۶۵۰	۰/۰۰۰۹	معنی دار است.

سوال ویژه سوم: اولویت‌بندی هر یک از ابعاد الگوی بهینه‌سازی مشارکت شهروندان در فرآیند خط‌مشی‌گذاری عمومی چگونه است؟

با توجه به اینکه در بخش مربوط به تحلیل عاملی تایید مرتبه دوم به اولویت‌بندی هریک از ابعاد تبیین‌کننده الگوی بهینه‌سازی مشارکت شهروندان در فرآیند خط‌مشی‌گذاری عمومی پرداخته شد، در این بخش، بررسی اولویت‌ها با استفاده از

آزمون فریدمن انجام شد. بیش‌ترین اولویت از لحاظ عملکردی مربوط به متغیر نتایج با میانگین رتبه ۴/۲۷، دومین اولویت مربوط به مقوله اصلی با میانگین رتبه ۴/۲۶، سومین اولویت مربوط به شرایط مداخله‌ای با میانگین رتبه ۳/۵۴، چهارمین اولویت مربوط به راهبرد با میانگین رتبه ۳/۳۹، پنجمین اولویت مربوط به شرایط زمینه‌ای با میانگین رتبه ۳/۰۱ و کم‌ترین اولویت از لحاظ عملکردی مربوط به مقوله علی با میانگین رتبه ۲/۵۳ بوده است. در شرایط علی، بیش‌ترین اولویت از لحاظ عملکردی مربوط به بعد مسئولیت و تعهد با میانگین رتبه ۲/۱۶ و کم‌ترین اولویت از لحاظ عملکردی مربوط به بعد آموزش و یادگیری با میانگین رتبه ۱/۷۶ بوده است. در شرایط زمینه‌ای، بیش‌ترین اولویت از لحاظ عملکردی مربوط به بعد نگرش و آگاهی مدیران با میانگین رتبه ۲/۲۸ و کم‌ترین اولویت از لحاظ عملکردی مربوط به بعد تدوین شفافیت با میانگین رتبه ۱/۶۹ بوده است. در شرایط مداخله‌ای، بیش‌ترین اولویت از لحاظ عملکردی مربوط به بعد فراگیری با میانگین رتبه ۲/۲۴ و کم‌ترین اولویت از لحاظ عملکردی مربوط به بعد تکنولوژی و عملیات فنی با میانگین رتبه ۱/۶۲ بوده است. در راهبردها، بیش‌ترین اولویت از لحاظ عملکردی مربوط به بعد نظارت و ارزیابی مستمر با میانگین رتبه ۲/۹۹ و کم‌ترین اولویت از لحاظ عملکردی مربوط به بعد برنامه‌های مدیریت آلاینده‌های شهری با میانگین رتبه ۱/۹۴ بوده است. در نتایج، بیش‌ترین اولویت از لحاظ عملکردی مربوط به بعد مشارکت فعال و پویای اجتماعی با میانگین رتبه ۱/۵۸ و کم‌ترین اولویت از لحاظ عملکردی مربوط به بعد توسعه فضای سبز شهری با میانگین رتبه ۱/۴۲ بوده است. در نهایت، با توجه به نتایج حاصله از مرحله کیفی و کمی پژوهش، الگوی بهینه‌سازی مشارکت شهروندان در فرآیند خط‌مشی‌گذاری عمومی، بشرح زیر ارائه می‌شود:



شکل ۳. ارائه الگوی بهینه‌سازی مشارکت شهروندان در فرآیند خط‌مشی‌گذاری عمومی

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف طراحی الگویی برای بهینه‌سازی مشارکت شهروندان در فرآیند خط‌مشی‌گذاری عمومی در ایران است. این مطالعه با رویکرد آمیخته (کیفی-کمی) و روش پژوهش اکتشافی انجام شده است. اساساً مفهوم خط‌مشی‌گذاری عمومی در مفهوم اصلی خود به معنای اتخاذ و اجرای مجموعه سیاست‌هایی است تا بر اساس آن اهداف مورد نظر اجتماعی و با حضور و مشارکت سازنده مردمی محقق شود. در این فرآیند در گام نخست بایستی مسأله یا چالش اصلی شناسایی و در ادامه در خلال فرآیندهای متوالی به ارائه راهکارها، اجرای درست، ارزیابی مستمر، استفاده از اطاق فکر سازنده و نیروهای متخصص و توانمند مبادرت نمود. نکته‌ای مهم که در خصوص خط‌مشی‌گذاری عمومی بایستی به آن اشاره داشت وضعیت مشارکت اجتماعی است. توجه لازم به این موضوع و ایجاد انگیزه در میان اقشار گوناگون اجتماعی، نه تنها می‌تواند به شناسایی هر چه بهتر مسائل کمک شایانی کند بلکه در ادامه نیز به ارائه راه حل‌های واقع بینانه و متعددی برای حل آن مسائل منجر و پیامدی مهم با عنوان مشارکت سازنده مردمی و رضایت از مسئولان را به همواره خواهد داشت. بنابراین، بایستی اذعان داشت که با وجود آنکه مبنای اصلی اتخاذ و اجرای سیاست‌ها و تصمیمات دولت و نهادهای وابسته به آن است، اما حضور و مشارکت نهادهای گوناگون غیردولتی و مردمی در اجرای هرچه بهتر و اصولی‌تر تصمیمات مذکور بسیار کارگذار خواهد بود. بنابراین، دو شاخصه اصلی خط‌مشی‌گذاری عمومی را بایستی: ۱. یک الگوی عمل‌گرایانه نه انتزاعی دانست و ۲. فرآیند خط‌مشی‌گذاری اقدامی است جمعی و مبتنی بر تعامل و پویایی در یک محیط اجتماعی.

در راستای ارائه مدل مطلوب مورد نظر از روش آمیخته اکتشافی بهره برده و ضمن انجام مصاحبه‌های عمیق و تخصصی با نخبگان علمی و اجرایی این موضوع، به ۱۵ بعد دست یافتند. در شرایط علی، ابعاد مسئولیت و تعهد، تعاملات مستمر و آموزش و یادگیری؛ در شرایط زمینه‌ای ابعاد شفافیت، فرهنگ‌سازی، نگرش و آگاهی مدیران؛ در شرایط مداخله‌ای ابعاد فراگیری، تأسیسات و تجهیزات مدرن و تکنولوژی و عملیات فنی؛ در راهبرد نیز ابعاد سیاست‌گذاری‌های میان‌مدت و بلندمدت شهرداری، نظارت و ارزیابی مستمر و برنامه‌های مدیریت مصرف شهروندان و برنامه‌های مدیریت آلاینده‌های شهری و در نهایت، در پیامد دو بعد اصلی توسعه فضای سبز شهری و مشارکت فعال و پویای اجتماعی بدست آمد. در ادامه و طبق نتایج بخش کمی، داد ابعاد مسئولیت و تعهد به ترتیب دارای (ضریب مسیر ۰/۵۹، مقادیر تی ۶/۷۱۵ و مقدار ۰/۰۰۹ p-value)، تعاملات مستمر (۰/۷۸، ۸/۳۴۷ و ۰/۰۰۹)، آموزش و یادگیری (۰/۷۵، ۸/۲۲۴ و ۰/۰۰۹)، تدوین بسته مالیاتی سبز (۰/۶، ۶/۰۱۳ و ۰/۰۰۹)، فرهنگ‌سازی (۰/۶۷، ۶/۶۹۲ و ۰/۰۰۹)، نگرش و آگاهی مدیران (۰/۵۶، ۶/۱۷۹ و ۰/۰۰۹)، فراگیری (۰/۶۱، ۵/۸۴۷ و ۰/۰۰۹)، تأسیسات و تجهیزات مدرن (۰/۳۹، ۳/۸۲ و ۰/۰۰۹)، تکنولوژی و عملیات فنی (۰/۴۱، ۳/۶۵۴ و ۰/۰۰۹)، سیاست‌گذاری‌های میان‌مدت و بلندمدت شهرداری (۰/۵۶، ۶/۸۰۷ و ۰/۰۰۹)، نظارت و ارزیابی مستمر (۰/۷۷، ۸/۸۶۶ و ۰/۰۰۹)، برنامه‌های مدیریت مصرف شهروندان (۰/۷۳، ۹/۸۳۳ و ۰/۰۰۹)، برنامه‌های مدیریت آلاینده‌های شهری (۰/۵۹، ۷/۴۲۱ و ۰/۰۰۹) می‌باشند.

یافته‌های این پژوهش با یافته‌های پژوهش‌های معتضدیان و همکاران (۱۴۰۲)، قربانی زاده و همکاران (۱۴۰۱)، عباسی و دانشفرد (۱۴۰۰)، بابایی و همکاران (۱۳۹۸)، رمضان پور و همکاران (۱۳۹۸)، کوریا و همکاران (۲۰۲۳) و ساراجونگ (۲۰۲۳) همسو و هم‌راستا بوده است.

در توضیح و تبیین نتایج این پژوهش می‌توان گفت بهینه‌سازی مشارکت شهروندان در فرآیند خط‌مشی‌گذاری به معنای طراحی و اجرای سازوکارهایی است که حضور فعال، آگاهانه و مؤثر مردم را در مراحل گوناگون سیاست‌گذاری عمومی تضمین کند. این امر نه تنها مشروعیت و پاسخگویی سیاست‌ها را افزایش می‌دهد بلکه به بهبود کیفیت تصمیم‌گیری‌ها منجر می‌شود. استفاده از نظرسنجی‌ها، جلسات عمومی یا پلتفرم‌های دیجیتال برای تشخیص دغدغه‌های شهروندان، تشکیل گروه‌های کاری متشکل از ذی‌نفعان، برگزاری کمپین‌های ایده‌پردازی یا مشورت با نهادهای مدنی، مکانیسم‌هایی مانند رفاندوم، مشارکت در شوراهای محلی یا رأی‌گیری الکترونیک برای انتخاب گزینه‌ها، مشارکت داوطلبانه در اجرا (مانند برنامه‌های جامعه‌محور) و گزارش‌دهی مردمی از راه اپلیکیشن‌ها، بازخوردگیری از شهروندان درباره اثربخشی سیاست‌ها و اصلاح آنها می‌تواند در تحقق این مهم مؤثر باشد. بهینه‌سازی مشارکت شهروندان نیازمند ترکیبی از قانون‌گذاری شفاف و فرهنگ‌سازی است. اگر این فرآیند

بدرستی طراحی شود، می‌تواند به کاهش شکاف بین دولت و ملت، افزایش اعتماد عمومی و تحقق خط‌مشی‌های پایدارتر بینجامد.

محدودیت‌های پژوهش

یکی از محدودیت‌های این پژوهش، تمرکز آن بر داده‌های کیفی و تحلیل مصاحبه‌ها بوده است که ممکن است تعمیم نتایج را محدود کند. همچنین، محدودیت زمانی و عدم دسترسی به برخی نخبگان کلیدی در فرآیند مصاحبه‌ها، دامنه تحلیل را تا حدی تحت تاثیر قرار داده است. از سوی دیگر، تمرکز پژوهش بر سیاست‌گذاری در سطوح ملی، موجب شده است که ابعاد مشارکت در سطح ملی یا شهری کمتر مورد بررسی قرار گیرد.

پیشنهادهای مبتنی بر یافته‌های پژوهش

- ✓ بر اساس یافته‌های پژوهش پیشنهاد می‌شود، در قالب یک برنامه‌ریزی مدون و مبتنی بر واقع‌گرایی و تأمین زیرساخت‌های لازم، ابتدا راهبردهای کوتاه مدت، میان مدت و بلندمدت طراحی و سپس در فرآیندی منظم و هدفمند و تحت نظارت کمیته‌های راهبردی و تخصصی به اجرا گذارده شود و در ادامه نیز مستمراً تحت ارزیابی قرار گیرد تا نواقص موجود به بهترین نحو شناسایی شود.
- ✓ پیشنهاد می‌شود که نهادهای سیاست‌گذار به صورت منظم و سیستماتیک اطلاعات مرتبط با خط‌مشی‌ها را به‌روز کنند و در دسترس عموم قرار دهند. این کار می‌تواند از راه وب‌سایت‌های دولتی، اپلیکیشن‌های موبایل و رسانه‌های اجتماعی صورت گیرد.
- ✓ پیشنهاد می‌شود سیاست‌گذاران مکانیزم‌هایی ایجاد کنند که در آن شهروندان بتوانند به صورت مستقیم در تصمیم‌گیری‌ها مشارکت کنند. برای مثال، می‌توان از روش‌های دموکراسی مشارکتی یا بودجه‌ریزی مشارکتی استفاده کرد.
- ✓ پیشنهاد می‌شود سیاست‌گذاران با ایجاد سامانه‌های پاسخگویی و گزارش‌دهی منظم به شهروندان در مورد اجرای خط‌مشی‌ها و پیامدهای آن‌ها اطلاع‌رسانی کنند تا اعتماد شهروندان به نهادهای دولتی تقویت شود.

منابع

- خداوند بایگی، علی، معدنی، مرتضی، و خلیلی نسب، مهدی. (۱۴۰۱)، بررسی اجمالی مفاهیم خط‌مشی‌گذاری عمومی و فرایند تصمیم‌گیری، نهمین کنفرانس بین‌المللی دانش و فناوری علوم تربیتی مطالعات اجتماعی و روانشناسی ایران، تهران
- عبدلی محمدآبادی، طیب، احمدپور داریانی، محمود، امیری سردری، زهره، و کریمی، آصف. (۱۴۰۳). شناسایی مهارت‌های تیم مدیریتی در توسعه قابلیت‌های پویا در کسب و کارهای نوپا (مورد مطالعه: کسب و کارهای حوزه فناوری اطلاعات). مدیریت فرهنگ سازمانی، ۲۲(۴)، ۳۹۹-۴۱۱.
- قربانی زاده، وجه اله، معتضدیان، رسول، حسین پور، داوود، و رهبر، عباسعلی. (۱۴۰۰). سناریوهای آینده‌ی مشارکت عمومی در خط‌مشی‌گذاری ایران. ۴۵(۱)، ۲۰۴-۱۸۱.
- معتضدیان، رسول. (۱۴۰۲). بررسی و تبیین نحوه مشارکت عمومی در فرآیند خط‌مشی‌گذاری (مطالعه موردی: کشور سوئیس). فصلنامه مدیریت دولتی تطبیقی. ۱۱(۱)، ۷۱-۱۰۱.
- موسوی، سیدعلی. (۱۴۰۳)، خط‌مشی‌گذاری عمومی و تاثیر آن بر عدالت اجتماعی و توسعه پایدار، <https://civilica.com/doc/2291153>
- وحیدزاده، مصطفی، و گیوریان، حسن. (۱۴۰۲) تحلیل موانع اجرای خط‌مشی خصوصی‌سازی در بخش صنعت ایران. خط‌مشی‌گذاری عمومی در مدیریت، ۱۴(۵۲)، ۵۳-۶۷.

- Correia, D., Eduardo Feio, J., Marques, J., & Teixeira, L. (2023). Participatory Methodology guidelines to promote citizens participation in decision-making: Evidence Based on a Portuguese case study, *Cities* Volume <https://doi.org/10.1016/j.cities.2023.104213>
- Hartley, K., & Aldag, A. (2024). Public trust and support for government technology: Survey insights about Singapore's smart city policies. *Cities*, (154), 592-611.
- Hernandez, L., Cuevas-Jimenez, A., De Yta-Castillo, D., avila-Foucat, V., & Espejel, I. (2023). Public policy instruments coherence analysis to address coastal risk in Yucatan, Mexico. *Cities*, (167), 382-401.
- Yang, M., & Lin, B. (2024) Making policies more effective: The differentiated impact of work-family conflict on environmental public participation. *Environmental Science & Policy*, 14(157), 63-81.

Presenting a Model for Optimizing Citizen Participation in the Public Policy-Making Process with a Data-Based Approach

Aliasghar Ghalandari¹, Mohammad Mohammadi ^{*2}, Mohammadreza RabieeMandejin³

Article Info	Abstract
Article type: Research Article	The aim of this study is to design an optimized model for citizen participation in the public policy-making process in Iran. This applied research employed a mixed-methods (qualitative-quantitative) and exploratory approach. In the qualitative phase, using grounded theory and semi-structured interviews with 15 academic and executive experts, data were collected and analyzed through open, axial, and selective coding. As a result, 15 main dimensions and 61 indicators affecting citizen participation were identified. In the quantitative phase, the statistical population consisted of 530 senior managers, former members of parliament, and former provincial governors. Based on Cochran's formula, a sample of 316 individuals was selected. A researcher-made questionnaire, derived from the qualitative findings, was used to collect data. The reliability and validity of the instrument were confirmed through Cronbach's alpha and exploratory factor analysis. The Friedman test results showed that indicators such as transparency, public education, and continuous interaction had the highest priorities. Finally, a conceptual model was proposed that systematically explains the causal, contextual, intervening, strategic, and consequential conditions of citizen participation in public policy-making. This model can serve as a framework for enhancing participatory governance in the national policy system.
Keywords	Citizen Participation, Public Policy-Making, Grounded Theory, Thematic Analysis, Participatory Governance

Publisher: Islamic Azad University Qods Branch
Corresponding Author: Mohammad Mohammadi
Email: mo.mohammadi@iauctb.ac

1. Department of Public Administration, Faculty of Management, Islamic Azad University, Kish International Branch, Kish, Iran
2. Department of Public Administration, Faculty of Management, Islamic Azad University, Tehran Center Branch, Tehran, Iran (Corresponding Author)
3. Department of Public Administration, Faculty of Management, Islamic Azad University, Tehran Center Branch, Tehran, Iran

